

..... آسیب شناسی خانواده در جهان معاصر

حمید نگارش

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

این مقاله می‌کوشد آسیب‌های کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده را در مورد فرزندان و رشد آنان بررسی نماید. بعد از بیان مفاهیم کلیدی، آسیب‌ها در محورهای روش‌های تربیتی، اوقات فراغت، مسائل جنسی و مسائل عاطفی ارائه و سپس راهکارهای پیشنهادی تبیین شده است.
کلیدواژه‌ها: آسیب شناسی، خانواده، اوقات فراغت، روش‌های تربیتی.

طلیعه

درخشش شعاع نورانی اسلام و جاذبه‌های معنوی انقلاب در جامعه اسلامی ایران گوهر وجودی فرزندان این مرز و بوم را با اکسیر ایمان و معنویت سرشته و زندگی آنان را به قداست و فضیلت درآمیخته است. کوثر زلال وحی، چشمه طهور عترت و صافی و صفای دعا و عبادت، سستی و رخوت از جان فرزندان شسته و به زندگی آنان روح امید و نشاط دمیده است. امروز در فضای عطرآگین ایران اسلامی به برکت انقلاب اسلامی گوش‌ها معبر قرآن و اذان، دل‌ها گذرگاه نماز و عرفان و روح‌ها سکوی عروج به سوی عالم ملکوت است. انقلاب اسلامی ایران تحولی عظیم در ارزش‌ها و باورها و معجزه‌ای بزرگ در عصر شگفتی‌ها بود. این انقلاب بزرگ مردمی و الهی که برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های خود بر ایمان قلبی

توده‌های دین‌مدار تکیه دارد، با الگویی عینی و عملی از یک نظام مبتنی بر ارزش‌های الهی از یک سو بسیاری از مدعیان دروغین اندیشه و فرهنگ را به چالش فراخواند و از سوی دیگر چون بارقه‌ای امید بخش در ظلمتکده بی‌هویتی، شیفتگان پارسایی را نوید آزادی داد. آری دشمنان دریافتند که رمز پیدایی و پایانی انقلاب اسلامی ایران همان شاخصه‌های بی‌بدیل فرهنگی و دینی است که چون سدی آهنین تمام ترندهای ویرانگر و شیطانی آن‌ها را با شکست روبرو ساخته است. لذا در صدد کم‌رنگ کردن و از بین بردن آن می‌باشند. طرح نظریه‌هایی از قبیل دهکده جهانی مک لوهان و یا جنگ تمدن‌های افرادی چون هانتینگتون در راستای همین راهبرد قابل فهم می‌باشد. در این راهبرد نه تنها انقلاب اسلامی، بلکه همه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها قربانی می‌شوند.

ملت‌ها هویت خود را از دست می‌دهند و فرهنگ‌ها صرفاً به عنوان میراث نیاکان به آرشیوهای باستان‌شناسی سپرده می‌شوند تا با حصول انقطاع فرهنگی بین نسل‌های جدید و نسل‌های پیشین زمینه جایگزینی فرهنگ جدید فراهم شود. تنها راه مقابله با این‌گونه شگردها حفظ هویت دینی و فرهنگی خودمان می‌باشد. جرج جر داق - نویسنده معروف - می‌گوید: اگر ما بتوانیم فرزندان خود را با هویت و میراث فرهنگی خودشان آشنا سازیم، هرگز تحت تأثیر فرهنگ غرب و ابزارهایش قرار نخواهند گرفت. ^۱ طرح مباحث آسیب‌شناسی در بعد اجتماعی فرهنگی با ارایه راه حل‌های کاربردی می‌تواند بسیاری از کمبودها را شناسایی و زمینه‌ساز آگاهی‌ها، خودباوری‌های اولیاء، مسئولان تربیتی و سرانجام فرزندان را فراهم کند. در این راستا شناسایی آسیب‌های کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده از جایگاه بس خطیری برخوردار خواهد بود.

شایسته است نویسندگان حوزه دینی و فرهنگی در شناسایی آسیب‌های مهم‌ترین واحد اجتماعی تأکید و این موضوع را به صورت جدید دنبال کنند و به نسل معاصر از غلتیدن در پرتگاه استحاله فرهنگی و باور سوزی و... مصونیت بخشند. این نوشتار در این راستا تنها به چهار مورد از آسیب‌های خانواده و راه حل‌های آن می‌پردازد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. آسیب‌شناسی (pathology) شاخه‌ای از دانش می‌باشد که هدف از آن شناخت

بیماری‌های روانی، جسمانی، اجتماعی و نحوه تکوین رشد و دگرگونی آنان است.^۲ این اصطلاح هم در علم پزشکی و هم در علوم اجتماعی کاربرد دارد. آسیب‌شناسی اجتماعی در صدد بیان آسیب‌هایی همچون بزهکاری، فقر، بیکاری، تبهکاری، اخلاقی و... همراه با علل و شیوه‌های درمان آن می‌باشد. از آن جا که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی را برعهده دارد در این نوشتار به بعضی از آسیب‌های این نهاد اجتماعی پرداخته‌ایم. البته به جهت محدودیت، تنها به چهار مورد روش‌های تربیتی، اوقات فراغت، جنسی، عاطفی و روانی پرداخته شده است.

۲-۱. نهاد اجتماعی (social institution)

در تعریف نهاد اجتماعی گفته شده است که شامل هنجارها و ارزش‌هایی هستند که بسیاری از مردم با آنها هم‌نوایی می‌کنند همه شیوه‌های رفتاری نهادینه شده به وسیله ضمانت‌های اجرایی نیرومند حمایت می‌شوند. نهادها اساس یک جامعه را تشکیل می‌دهند؛ زیرا شیوه‌های نسبتاً ثابت رفتار را که در طول زمان پایدار می‌مانند ارائه می‌دهند.^۳

۳-۱. جهان معاصر

شناخت شرایط و ویژگی‌های جهان معاصر ما را با واقعیات زندگی اجتماعی که «گیدنز» از آن به جهانی شدن زندگی اجتماعی یاد می‌کند و تأثیرات تحولات آن بر خانواده و آسیب‌های آن بیشتر آشنا می‌سازد. اجمالاً به چند ویژگی در این رابطه اشاره می‌شود.

۱. ناهمگرایی میان کشورهای غنی و فقیر.

۲. جهانی شدن اقتصاد و تجارت جهانی.

۳. جهانی شدن رسانه‌های جمعی.

۴. عصر سلطه و استعمار.

۵. تورم گسترده و بحران‌زا.

۶. تحولات سریع و شتابان.

۷. بحران انرژی و مواد اولیه.

۸. مرحله گذر از مدرنیسم به پست مدرنیسم.

آشنایی با شاخص‌های اشاره شده و توجه به میزان تأثیر آنها در نهاد خانواده، فضای جدیدی را پیش روی ما می‌گشاید که همه مشکلات و نابهنجاری‌ها را معلول ارتباط درونی

اعضای خانواده ندانیم و با وسعت بینش و نظر از دخالت خودآگاه و ناخودآگاه و دخالت مستقیم و غیر مستقیم چنین عواملی چشم پوشی نکنیم.

۴- ۱. خانواده (family) واحدی اجتماعی است که براساس ازدواج پدید می آید^۴ و دارای انواعی می باشد.

الف: خانواده هسته‌ای، که از زن و شوهر و چند بچه تشکیل می شود.

ب: خانواده گسترده: به خانواده‌ای می گویند که سه نسل یا بیشتر را در خود جای می دهد یعنی فرزندان بعد از ازدواج در خانه والدین خود می مانند و با زن و شوهر و بچه‌های خود همگی در خانه پدر و مادرشان زندگی می کنند. در جوامع سنتی الگوی خانواده گسترده غلبه دارد، زیرا همبستگی طایفه‌ای و قبیله‌ای مستحکم بوده ولی در جوامع معاصر و صنعتی بیشتر الگوی خانواده هسته‌ای و با جمعیت کم شیوع دارد و ارتباط فAMILI رنگ باخته است.

ج: خانواده پدر نامی مانند جامعه ما که فرزندان نام خانوادگی را از پدر می گیرند.

د: خانواده مادر نامی که نام خانوادگی را از مادرشان می گیرند، مانند بعضی از قبایل لرستان. ولی در یک نگرش کلی می توان خانواده را به دو دسته پدر سالار و مادر سالار تقسیم نمود.^۵ خانواده در اسلام نهادی مقدس و حیاتی است، جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و مودت و کانون اصلی تکوین شخصیت انسان است. در فرهنگ اسلام، خانواده وسیله‌ای برای اقناع و ارضای مشروع نیازهای جنسی، تولید و تربیت نسل، ایجاد صمیمیت و تفاهم، یکرنگی و هم‌رنگی، تعاون و همکاری و آرامش روحی و روانی انسان است. خانواده هسته اصلی و بنیادی اجتماعات بشری و ضامن سعادت فردی و اجتماعی بشر است و نقش ارزنده‌ای در تکمیل فرهنگ انسانی و توسعه تمدن بشری دارد. بنای رفیع خانواده مبتنی بر تدبیر، احسان، اکرام، حلم، عفو، تفاهم و مواظبت است.

برخی از پرسش‌هایی که این نوشتار در صدد پاسخگویی به آنها می باشد عبارتند از:

۱. آسیب‌های ناخواسته والدین در تربیت فرزندان چه می باشد؟
۲. چرا آموزش‌های دینی، تربیت دینی را به معنای واقعی به همراه نداشته است؟
۳. چرا آموزش‌های تربیتی، بالندگی تربیتی را به همراه نداشته است؟

۴. چرا اوقات فراغت منشأ به هدر رفتن فرصت شده است؟
۵. چرا اخلاق و تربیت جنسی در خانواده‌ها وجود ندارد؟
۶. دلایل کم توجهی والدین به تحولات روحی و عاطفی فرزندان چیست؟

۲. علل آسیب‌ها در یک نگاه کلی

۱. جهل‌ها و بی‌خبری‌ها از امور، جریانات، وظایف و مسئولیت‌ها، از رمز و راز حیات

و....

۲. ضعف عقیده و ایمان و عدم باور به خدا و جزا و معاد و حساب.
۳. بی‌خبری از شیوه مدیریت خود و تسلط بر نفس، ضعف اعتماد به نفس و مانند آن.
۴. عدم استفاده مناسب از روش‌های تربیتی در خانواده.
۵. اسارت هوا و هوس و بردگی خواهش‌های نفسانی.
۶. عدم استفاده مناسب از اوقات فراغت فرزندان.
۷. عدم دوراندیشی‌ها و عاقبت‌نگری‌ها.
۸. ضعف اراده که سبب بی‌مقاومتی در برابر جریانات و حوادث می‌گردد.
۹. وجود الگوهای نامناسب و بی‌بند و بار در خانه، مدرسه و جامعه.
۱۰. سادگی، ظاهرینینی و زودباوری که سبب تسلیم شدن به هر خط و گروهی می‌شود.

۳. تربیت‌پذیری فرزندان در یک نگاه

رشد و پرورش عواطف و احساسات انسانی؛

آشنایی با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی؛

تعلیم و تربیت شفاهی (آموزش‌های غیر مستقیم)؛

تأمین و تضمین سعادت و سلامت روانی؛

احساس آرامش روحی و امنیت (حمایت)؛

افزایش آگاهی، تقویت بینش و ارتقای معرفت؛

همگرایی، همنوایی، همکاری و معاضدت جمعی؛

خودشکوفایی و رشد و اعتلای شخصیت انسانی؛
 احساس عزت نفس و شرافت و کرامت و جود؛
 احراز آمادگی برای ورود به مدرسه و تحصیل علم؛
 انس و الفت، صفا و صمیمیت و تفاهم و تعاون؛
 آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی؛
 رفتار و روابط معقول با اعضای خانواده؛
 تقویت روحیه نشاط و امیدواری و تحرک و تکاپو؛
 تقویت روحیه اعتماد به نفس و تحکیم عزم و اراده؛
 رشد عواطف انسانی در مناسبات خانوادگی؛
 احراز آمادگی برای انجام فرایض و تکالیف دینی؛
 مسئولیت‌پذیری مقطعی برای ایفای نقش خانوادگی؛
 انتقال فرهنگ و سنت‌های شایسته به آیندگان؛
 تمرین همسازی، سازگاری و وفاق اجتماعی.

۴. عوامل آسیب‌پذیری فرزندان در یک نگاه

اختلاف والدین و تاثیرات روحی ناشی از آن؛
 عدم درک فرزندان از سوی برخی از والدین؛
 اعمال تبعیضات ناروا بین فرزندان؛
 فقر اقتصادی و تبعات منفی آن در اجتماع؛
 تحقیر فرزندان و بی‌توجهی عاطفی به آنان؛
 بی‌توجهی والدین نسبت به مسائل تربیتی فرزندان؛
 کمبود فضاها و امکانات رفاهی و تفریحی؛
 بی‌اعتمادی فرزندان نسبت به والدین؛
 فوت یکی از والدین (فقدان سرپرست)؛
 کثرت عائله و مشکلات ناشی از آن؛

سختگیری بی مورد و ایجاد محدودیتهای ناروا؛
تنبیه بدنی و اعمال خشنونت از سوی والدین؛
جدا شدن والدین از یکدیگر (طلاق)؛
مشکل اعتیاد در برخی از خانواده‌ها؛
اختلاف و ناسازگاری فرزندان با یکدیگر؛
ضعف دانش و بینش فرهنگی والدین؛
اختلاف سلیقه‌های والدین با یکدیگر
مراودات با خانواده‌های نامتعادل؛
عدم آشنایی والدین به تعلیم و تربیت اسلامی؛

۵. آسیب‌شناسی روش‌های تربیتی در خانواده‌ها

آیا تاکنون اندیشیده‌اید، چگونه شد که شخصیتی چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آن همه بی مهری‌های اطرافیان به درجه‌ای از محبوبیت رسید که بعد از قرن‌ها هنوز زبانزد خاص و عام می‌باشد و سخنان ایشان همچنان بر دلها اثر می‌گذارد؟ پاسخ این پرسش را باید در سبک و روش برخورد و شیوه‌های تربیتی و تبلیغی آن حضرت جست و جو نمود. این اثر گذاری‌ها و ویژه‌اولیای دین نمی‌باشد، بلکه هر فردی که در این راه گام بردارد، می‌تواند دل‌ها را تسخیر نماید. اما با کمی درنگ، در می‌یابیم که رفتار عملی ما این گونه نبوده است.

در این قسمت به برخی از علت‌ها و اشکال‌های این مسأله خواهیم پرداخت.

۱- ۵. آسیب‌شناسی تربیت دینی

از اشکالات اساسی که امروزه در سیستم تربیتی وجود دارد ملازمه‌ای است که بین تربیت دینی و آموزش دینی قایل شده و تصور می‌کنند شرط دینی شدن، تراکم دانش‌ها و اندوخته‌های دینی است، در حالی که بر عکس اگر این اندوخته‌های دینی به همراه پرورش حس دینی نباشد، مانع بزرگی در برابر حس دینی خواهد بود.

بانگش در زندگی پیامبران و امامان الهی دینی این نکته روشن می‌شود که آن چه آنان

کشف کرده‌اند، نه از لابلای کتاب‌ها، که از لطافت فهم و ظرافت بینش خود از وصف آیات الهی دریافت نموده‌اند. خطاست اگر این گونه بیندازیم که معرفت دینی از انباشت ذهنی اطلاعات دینی به دست می‌آید، بلکه با چشم دل، با گوش جان می‌توان به حقیقت رسید. آخرین تحقیقات روان‌شناسان در تازه‌ترین تعریفی که از مقوله یادگیری در قرن ۲۱ ارائه به آن اصرار ورزیده‌اند، آن است که برای پرورش تفکر شهودی و گسترش ارزش‌های دینی باید به پایگاه عاطفی که مرکز آن قلب است توجه شود.^۶

بنابراین در تربیت دینی باید از وابستگی به منابع تشویق و تنبیه صرف خودداری نمود، چرا که به تضعیف تربیت دینی می‌انجامد، بلکه باید از تربیت فعال یا درونی استفاده شود. آیا تا به حال در روش‌های تربیتی به رهیافت‌های درونی توجه شده است؟ اصولاً پدر و مادر و مربیان در برنامه ریزی تربیتی به چه میزان از روش‌های نوین که به پرورش حس دینی و عشق به ارزش‌های هنری می‌انجامد، بهره می‌گیرند؟ در سیره معصومین آمده است که برای تربیت دینی و پرورش عشق و ورزی و معرفت عمیق نسبت به خالق هستی باید به شیوه‌های غیر کلامی (کونوا دعاء الناس بغير ألسنتکم^۷) دست یازید چه بسا تربیت دینی که با روش‌های سطحی با انبوهی از مطالب صرفاً نظری و بدون آمادگی‌های عاطفی و روانی به فرزندان القا می‌شود و گاهی اوقات سد بزرگی در برابر انگیزه‌های دین‌یابی و دین‌ورزی آنان ایجاد و آموزش دینی مانع پرورش دینی می‌شده و دین‌گریزی حجاب دین‌یابی می‌گردد. همانند موجودی که از مواد دارویی و تزریقی تغذیه و همه ویتامین‌ها و مواد غذایی مورد نیاز او در قالب سرم، قرص و... طبق برنامه زمان‌بندی شده خوراک او می‌گردد. پیداست که پس از اندکی زندگی این موجود به یک زندگی انگلی و وابسته به منابع تغذیه بیرونی تبدیل می‌شود. رسول خدا می‌فرماید: «ليس العلم بكثره التعلم بل العلم نورٌ يقذفه الله في قلب من يُريد الله أن يهديه»^۸ دانش با کثرت یادگیری به دست نمی‌آید، بلکه نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد می‌تاباند.

باید کوشید گرایش‌های فطری در وجود فرزندان بیدار شود. ابن طفیل اندلسی از نویسندگان مسلمان در رساله فلسفی و اخلاقی خود به نام «حی بن یقظان» - زنده بیدار - اشارات بدیعی به فطرت آدمی کرده، و چگونگی معرفت بشر را متأثر از نیروهای فطری او دانسته است.^۹

سخن آخر، آن که توجه دادن به این گونه گرایش های فطری و ایجاد روح علاقه مندی و تقدیس ارزش های اخلاقی از طریق پدر، مادر و مربیان در جهت رشد دینی بسیار موثر خواهد بود.

۲-۵. آسیب شناسی تربیت عادت گرا

«ترک عادت عامل سلامتی است». شاید در نگاه نخست این عبارت تعجب آور باشد؛ زیرا تاکنون شنیده ایم: ترک عادت موجب مرض است. ولی این گزاره نامأنوس نوعی خلاف عادت و بیانگر فاصله گرفتن از چارچوب های از پیش تعیین شده ای است که نابخردانه از آن پیروی می شود.

برخی مربیان تربیتی بر این باورند که از طریق عادت های کور کورانه می توان رفتارهای مورد نظر را در فرزندان تثبیت نمود و اساس تغییر رفتار را در اصل شرطی سازی کلاسیک طبق آن چه «پاولوف» در آزمایش های خود انجام داده است پیاده نمود.

ناگفته نماند که مراد ما از عادت، رفتارهایی است که فرد بر اثر تکرار کورکورانه انجام می دهد، بدون این که اندیشه و اراده در آن نقش داشته باشد. این نوع عادت ها با عادت های فعال و ارادی که به تدریج انس و الفتی در فرد به وجود می آورد و تکرار آن به فعالیت و پویایی می انجامد، مانند عادت سحر خیزی و عادت دادن نفس به ریاضت و تحمل سختی ها فرق دارد. با این رویکرد معلوم می شود که چرا برخی از اندیشمندان مقوله عادت و تربیت را رو در روی یکدیگر قرار می دهند. دکتر شریعتمداری در کتاب خویش به نقل از فیلسوف معروف «جان دیوی» نقل می کند: تربیت با عادت در تناقض است؛ زیرا هر رفتار تربیتی باید مبتنی بر عقل و استدلال بوده و احساسات نیز باید در کنترل عقل گیرد بنابراین از دید این دانشمندان، بار معنایی اصطلاحاتی همچون *habituation* و *training* با واژه *education* که با خردورزی و آگاهی همراه است تفاوت دارد.^{۱۰}

امام علی (ع) در حدیثی می فرماید: «غالبوا أنفسکم علی ترک العادات»^{۱۱} و در جای دیگر می فرماید: «افضل العباده غلبه العادة»^{۱۲} این تعبیرها بیانگر آن است که دین اسلام و پیام آوران آن همواره با عادت ها، قالب ها و چارچوب هایی که نوآوری و خلاقیت انسان را تضعیف نمایند، مخالف و یکی از رسالت های الهی آنان مبارزه با عادت پرستی و خرافه گرایی بوده است.

بدین ترتیب اگر در امر تربیت به همان پوسته و قشر عادت‌ها بسنده کنیم در نخستین مراحل رشد و تکامل به ایستایی خواهیم رسید و این تجربه و محیط است که ما را تغییر می‌دهد و ما قادر به دگرگونی تجربه و محیط خویش نخواهیم بود، در حالی که انسان الهی با بالاترین ظرفیت علمی و مقامات معنوی قابلیت آن را دارد که جهان هستی را به اراده خویش در آورد و حتی نیستی را از هستی پدید آورد.

بنابراین باید در امر تربیت فرزندان، اراده و اندیشه آنان را نیز دخیل بدانیم، تا بتوانند آگاهانه به سوی کمال گام بردارند.

۶. آسیب‌شناسی اوقات فراغت در خانواده

۶-۱. جایگاه اوقات فراغت

اوقات فراغت از دلپذیرترین اوقات زندگی انسان می‌باشد؛ به گونه‌ای که برای مؤمنان لحظه‌های نیایش با معبود، برای دانشمندان، تعمق و تفکر و برای هنرمندان نوآوری و ابداع می‌باشد. در عین حال برای عده‌ای نیز این اوقات به جای فراغت، ملال آورترین لحظه‌هاست. وجود ضرب‌المثل‌هایی همچون «شیطان همیشه برای دست‌های خالی کار بد می‌یابد» و «بیکاری مادر بیماری» است، ضرورت توجه به وقت و چگونگی گذران آن را یاد آور می‌شود. اهمیت این مسأله به اندازه‌ای است که باید گفت: یکی از عوامل فرهنگ‌سازی بر مبنای اوقات فراغت افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند پی‌ریزی می‌گردد.

نخستین کانونی که باید در این باره برنامه‌ریزی داشته باشد کانون خانواده است. گرچه مدارس، دانشگاه‌ها، کانون‌های فرهنگی، هنری، مساجد، رسانه‌های جمعی هم سهم دارند، ولی نقش اول و مهم را در این خصوص خانواده ایفا می‌کند.

پژوهش‌ها نشان داده است که گسترش انواع تفریحات انحرافی در بسیاری از کشورهای غربی و در برخی از کشورهای در حال توسعه، ناشی از نداشتن امکانات مناسب تفریحی، ناآگاهی، نداشتن برنامه صحیح و نیز اجرای سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نادرست در این زمینه است که موجب شده بسیاری از فرزندان به سوی فعالیت‌های ناسالم کشیده شوند. در ایران نیز بسیاری از موارد تشدید انحرافات، نتیجه نبود برنامه‌ریزی صحیح می‌باشد. در این برنامه‌ریزی اگر تمایل درونی، دخالت فردی و انتخاب فعالانه و خلاقانه فرزندان

این مرز و بوم را در نظر نگیریم تأمین فراغت، چیزی جز سرگرم کردن، و پر کردن وقت نخواهد بود. این نوع برنامه گر چه خلأ موجود اوقات فراغت را پوشش می دهد، ولی از آن جاکه فرزندان شخصاً و قلباً با آن برنامه درگیر نشده اند، آثار تربیتی در بر نخواهد داشت. به دیگر سخن باید اوقات فراغت سرچشمه خلاقیت، باروری افکار، شکل دهی شخصیت، باز اندیشی و اصلاح افکار و ارزیابی و بازیابی خود باشد.

۲- ۶. اوقات فراغت، فرصت آزادی یا سرچشمه باروری افکار

به نظر می رسد در خصوص اوقات فراغت با یک پارادوکس یا تناقض روبرو شده ایم؛ از یک سو گفته می شود: اوقات فراغت، هنگامه آزادی انسان است که بی هدف و بدون برنامه ریزی سپری می شود و از سوی دیگر گفته می شود: اوقات فراغت منشأ خلاقیت، شکل دهی شخصیت، بازاندیشی و اصلاح افکار، محاسبه، مراقبت و سرانجام باروری افکار می باشد. این نگاه پارادوکسیکال و نقیض نما را چگونه می توان تفسیر نمود؛ در پاسخ باید این گونه تقریر نمود که ظاهراً این دو تعبیر با یکدیگر متناقض می باشد. باید دید برداشت ما از اوقات فراغت چه می باشد؛ اگر قبول کنیم عمده ترین بخش شکل گیری شخصیت آدمی در اوقات آزاد شکل می گیرد، آن گاه می توان به فلسفه وجودی اوقات فراغت آن هم با نگاه مثبت - که کمال آفرین می باشد - پی برد.

کافی است نگاهی به زندگانی اندیشمندان، فرهیختگان، نخبگان، کاشفان، نویسندگان و سرانجام اولیای دین به شیوه عمیق، بالینی و کاربردی داشت تا بتوان سرچشمه خلاقیت ها و پیدا کردن نقطه تحولات روحی و معنوی آنان را پیدا نمود، در این صورت پی خواهیم برد که فرصت های فراغت به چه میزان جایگاه باروری و خلاقیت دارند.

توجه به چند مثال در روشن شدن مطلب نقش بسزایی خواهد داشت:

الف) موقعیت و شرایط زمانی و مکانی «نیوتون» به هنگام کشف نیروی جاذبه در زیر درخت سیب، به هنگام استراحت که در اوقات فراغت با این پدیده برخورد نمود.

ب) موقعیت «ارشمیدس» شیمی دان بزرگ در خزینه حمام آن هم با فریاد یافتن، یافتن، هنگام کشف قانون سبکی اشیا در آب.

ج) مشاهدات طبیعی «مندل» در باغچه منزل خود و کشف رمز وراثت و انتقال

ویژگی‌های وراثتی در موجودات، نشان از قابلیت‌های شگفت‌انگیز اوقات فراغت دارد، گرچه همه این دانشمندان زمینه‌های کشفیات را در ذهن داشتند.

این نمونه‌ها آشکار می‌سازد اوقات فراغت که در خانه و محیط‌های خانوادگی، نمود بیشتری دارد می‌تواند بالاتر از سرگرمی، یک فعالیت پربار و سازنده را برای انسان به ارمغان بیاورد. بنابراین منطق دوگانه اوقات فراغت را می‌توان با نگاهی یکپارچه در آمیخت و از آن بهره گرفت، به گونه‌ای که بین کار و استراحت، تفریح و اشتغال، آزادی و اجبار، فراغت و گرفتاری، تمایزی به وجود نیاید. این نگاه والا در مکتب اسلام بیشتر اوج می‌گیرد، چراکه در اسلام مؤمن متصل شده به ریسمان الهی در همه لحظه‌ها، کار او عین تفریح و تفریح او نیز همانند کار او می‌باشد.

برای نتیجه‌گیری، بهتر است به این پرسش پاسخ دهیم که برای تامین اوقات فراغت فرزندان، به گونه‌ای که از آسیب‌های احتمالی پیشگیری شود و آنان بتوانند در فرصت آزاد به فعالیت‌هایی مشغول گردند تا بازده آن اتصال به معنویت، ایمان، خودشناسی و خداشناسی گردد چه اقداماتی بنماییم؟
توجه به نکات زیر در این راستا بسیار گره‌گشا خواهد بود.

۳-۶. وظایف پدر و مادر در خصوص اوقات فراغت فرزندان

۱. در اوقات فراغت فرزندان تلاش کنیم زمینه‌ای فراهم آید تا بچه‌ها فرصت تفکر درباره خود، طبیعت و خدای خویش را داشته باشند.

۲. باید اولیا و مربیان کاری کنند که فرزندان در اوقات فراغت محصول کارایی و خلاقیت خود را احساس کنند.

۳. روابط صمیمی و در عین حال جدی در تعامل فردی بین فرزندان و اولیا می‌تواند در پیروی آگاهانه و اطاعت‌پذیری از ارزش‌های مورد نظر مؤثر واقع شود.

۴. در آموزش مهارت‌های مورد نظر در اوقات فراغت فرزندان را در انتخاب آن آزاد بگذاریم.

۵. در برنامه‌های فراغتی باید از جنبه‌های گوناگونی همچون ذوقی، شغلی، ابتکاری، تفریحی و... بهره گرفت.

۶. برنامه ریزی در معرفی دین به نسل جوان، به عنوان آیین زندگی در جریان تربیت خانوادگی یک اصل مهم قلمداد گردد.
۷. همکاری و همراهی والدین با جوانان در ورزش‌های کوهستانی و تفریحات سالم در تعطیلات هفتگی.
۸. تشویق فرزندان به نویسندگی (خاطرات، قصه، داستان) به عنوان سرگرمی و فعالیت آزادنگری.
۹. ترغیب فرزندان در خصوص ایجاد سرگرمی و تجربه اندوختی هنری و دست یازیدن به آفرینش‌های هنری در محیط خانواده.
۱۰. نظارت و مراقبت والدین در نحوه گذراندن فراغت فرزندان و پیش‌گیری از انحرافات احتمالی.
۱۱. در فصل تابستان که فرزندان اوقات بیکاری بیشتری دارند، اولیا باید از برنامه‌هایی نظیر ورزش، کار آسان، برنامه‌های فرهنگی و هنری، آموزش مهارت‌ها، مطالعه، دید و بازدید، رفتن به کتابخانه‌های عمومی، سینما، پارک، مراسم مذهبی و... استفاده نمایند.

۷. آسیب‌شناسی مسایل جنسی در خانواده

بی‌تردید غریزه جنسی از نیرومندترین غرایز وجود آدمی می‌باشد. این حالت که از آغاز تولد به صورت نهفته در سرشت آدمی به ودیعه نهاده شده است، به محض ورود به دوران نوجوانی آرام آرام زمان بیداری آن فرا می‌رسد و با گذشت زمان وجود آدمی را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که اگر هدایت نشود آثار زیانباری به همراه خواهد داشت. مراحل آغازین این نیروی جنسی با محبت و علاقه به دیگران همراه است. موريس دبس - روان‌شناس معروف غربی - بر این باور است که عشق و علاقه نوجوانان بر دو گونه است. ۱. عشق و علاقه عاطفی؛ ۲. عشق و علاقه شهوانی^{۱۳}

مراد از علاقه عاطفی، محبتی است که نوجوان به طرف مقابل ابراز می‌کند که با نوعی احساس و تمجید همراه است؛ احساسی که به دور از جنبه‌های شهوانی و جنسی می‌باشد. در مرحله دوم که علاقه شهوانی می‌باشد، نوجوان به دنبال فراهم کردن شرایط مطلوب جهت ازدواج می‌باشد.

متأسفانه برخی از اولیا نسبت به این شرایط نو پدید در زندگی فرزندان، کم توجهی دارند و بهتر است بگوییم به روش‌های صحیح تربیت جنسی آگاهی ندارند از همین رو قدرت تحمل و درک شرایط جدید را نیز ندارند. آنان تصور می‌کنند مانند گذشته می‌شود این ناهمگونی‌های جدید را با اعمال قدرت و ترساندن حل کنند. متأسفانه باید گفت: خود فرزندان هم از این شرایط بی‌اطلاع می‌باشند.

اگر بخواهیم این گونه مشکلات فرزندان را در سن نوجوانی و جوانی فهرست کنیم می‌توانیم به موارد زیر اشاره نماییم.

۱. نا آگاهی فرزندان از تربیت جنسی؛
۲. نا آگاهی فرزندان از اخلاق جنسی؛
۳. نا آگاهی از اهداف تربیت جنسی؛
۴. نا آگاهی فرزندان از بلوغ جنسی؛
۵. نا آگاهی از وظایف شرعی در دوران بلوغ؛
۶. رفت و آمد در محیط‌های آلوده و چشم چرانی؛
۷. خیال‌پردازی‌های انحراف‌آمیز به هنگام خلوت‌گزینی؛
۸. تحریکات جنسی از طریق عکس‌ها و تصاویر؛
۹. هم‌نشینی با دوستان منحرف و فاسد؛
۱۰. نا آگاهی نسبت به پیامدهای انحرافات جنسی؛
۱۱. تمایل شدید به جنس مخالف؛
۱۲. جسارت نداشتن در بیان مشکلات ناشی از غریزه جنسی؛
۱۳. نا آگاهی جوان از ناراحتی‌های ناشی از تحریکات جنسی؛
۱۴. ناتوانی در مهار غریزه جنسی و تسلیم شدن در برابر تمایلات جنسی؛
۱۵. نا آگاهی از راه‌های کنترل هیجانات و تمایلات جنسی؛
۱۶. توجه نداشتن به ارضای شرعی غریزه جنسی (ازدواج)؛
۱۷. کوچک‌انگاری شخصیت نوجوانان و رفتار ناسالم با آنان؛
۱۸. چشم‌پوشیدن نسبت به لغزش‌های نوجوانان در جامعه.

۱-۷. بیان مشکلات در راستای نیازهای جنسی فرزندان، جهت آگاهی والدین

ممانعت بی مورد والدین از ازدواج دختر به دلیل ناکامی‌های خود در امر ازدواج، یا وابستگی شدید به فرزند؛

نیاز به ازدواج و ترس از طرح آن در محیط خانواده و اجتماع به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی؛

ازدواج ترتیبی و انتظار نوبت در خانواده‌های دارای چند فرزند دختر؛

رواج عقیده نادرست مبتنی بر انتخاب شدن دختر در ازدواج (نداشتن حق انتخاب)؛

برخورد غیر منطقی خانواده پسر در مرحله خواستگاری از دختر؛

سوء سابقه خانواده و تأثیر آن در موقعیت ازدواج دختران؛

تحمیل سن ازدواج به دختران؛

نامزدی دوران کودکی برای دختران؛

تحمیل معیارها و ملاکهای ازدواج به دختران؛

عدم اطلاع از شیوه تحقیق همه جانبه در امر ازدواج؛

قصور خانواده‌ها در تعلیم آیین همسرداری به دختران؛

ردخواستگاران به دلیل دشواری تهیه جهیزیه و ترس از آبروریزی؛

اختلاف معیارهای دختران مذهبی با خانواده‌های غیر مذهبی خود؛

نرسیدن به بلوغ روحی و روانی و فقدان بینش کافی از مسائل زناشویی در نتیجه

محدودیت‌های افراطی برخی از خانواده‌های مذهبی؛

اختلاف و تعارض خانواده‌های دختر و پسر در مسائل اعتقادی؛

سختگیری‌های والدین در زمینه ارتباط و صحبت با خواستگاران جهت آشنایی بیشتر

و انتخاب اصلح؛

سوء سابقه اخلاقی خانواده و تأثیر آن در موقعیت ازدواج دختران؛

عدم تمایل پسران متدین برای انتخاب دختران متدین از خانواده‌های غیر مذهبی؛

انجام تحقیقات بی مورد از سوی خانواده دختر و ایجاد کدورت در امر ازدواج؛

در تمام این موارد فرزندان نیازمند به راهنمایی و کمک می‌باشند. نیازمند به کسی

هستند که شرایط آنها را درک کند، تا با درک شرایط، زمینه نجات دادن آنها را از شک و تردید و نابسامانی فراهم آورند.

باید با فرزندان دوست شویم، آزادی‌های بیشتری را برای آنها در نظر بگیریم، بگذاریم اظهار نظر کنند، کاری کنیم که احساس کنند ما پدر و مادر به کمک آنها آمده‌ایم، آمده‌ایم با آنان همراهی کنیم، آمده‌ایم خودباوری را در آنان پررنگ‌تر کنیم. آمده‌ایم در بحرانی‌ترین دوره شخصیتی، هویت واقعی او را متذکر شویم. می‌خواهیم زمینه مذهبی و ارزشی را در آنان بارور سازیم، می‌خواهیم آنان را به آینده بیشتر امیدوار کنیم.

۲-۷. وظایف والدین در زمینه بلوغ جنسی و شرعی فرزندان

۱. گفت و شنود صمیمانه مادران با دختران بالغ در مورد عادت‌های ماهانه آنان؛
۲. توجیه و تفهیم پسران بالغ در زمینه احتلام شبانه و روش‌های کنترل و هدایت غریزه جنسی؛
۳. ایجاد فضای صمیمی و مطمئن و استفاده از بیان ساده و قابل فهم در زمینه تحولات جسمی و روحی نوجوانان؛
۴. برنامه ریزی دقیق در توجیه و تفهیم فرزندان نسبت به مسائل و مقتضیات دوران بلوغ؛
۵. ظرافت و دقت در آموزش احکام شرعی و عبادی دوره تکلیف فرزندان و تشویق آنان به انجام واجبات دینی؛
۶. تکریم شخصیت فرزندان در خانواده به منظور حفظ تعادل روحی و امنیت روانی؛
۷. ارائه پاسخ‌های مناسب به سؤالات جنسی جوانان؛
۸. زمینه سازی برای آگاهی از حالات فرزندان در اوقات فراغت، مانند داستان سرایی از مسایل زندگی، ازدواج، مجلس جشن و مانند آن.

۳-۷. اسلام و غرایز جنسی

اسلام به عنوان آیین کامل درباره غریزه جنسی انسان دیدگاه ویژه‌ای داشته و وجود آن را وسیله‌ای برای کمال و حرکت جهت دار و گامی به سوی رشد می‌داند. وجود این غریزه عامل دوام و بقای نسل و وسیله‌ای برای آرامش، سکون و رسیدن به محبت و مودت است. از دیدگاه اسلام غریزه جنسی نشانه پلیدی، زشتی، ناپاکی و نگرانی نیست. خداوندی

که آن را آفرید و در نهاد آدمی قرار داد، هدفی جز هدایت و پیشرفت انسان نداشته است. در تبیین دیدگاه اسلام توجه به نکات زیر خالی از لطف نیست:

۱. **بیداری به موقع:** در بیداری نابهنگام غریزه جنسی، چه بسیارند عوامل و مسایلی که در خارج محیط خانوادگی بوده و بر فرزندان اثر می‌گذارند؛ مثل محیط‌های اجتماعی، معاشرت‌ها، خواندن‌ها، شنیدن‌ها. بنابراین اولیا باید نظام تربیتی خود را بر پایه‌ای بگذارند که زمینه بیداری پیش از هنگام غریزه فراهم نگردد.

۲. **هدایت غریزه:** وجود روابط انسانی در خانه و حسن برخورد والدین و فرزندان و روابط عاطفی و محبت‌آمیز بین فرزندان و مربیان آنها، خود به خود باعث تعدیل و آرامش آنهاست؛ بویژه اولیای کودکان که باید مراقب باشند در محیط رفت و آمد کودکان فساد و بد آموزی پدید نیاید.

روایات فراوانی وجود دارد که تسریع در ازدواج فرزندان را توصیه می‌کند. اسلام می‌خواهد ارضای غریزه از راه ازدواج و در حریم تشکیل خانواده تحت حمایت والدین دو طرف صورت گیرد. داشتن روابط سالم زناشویی با همسر از حقوق زوجین است؛ نه مرد می‌تواند از آن سرباززند و نه زن.

۳. **منع بی بند و باری:** دامنه کنترل در اسلام بر اساس مصالح صورت می‌گیرد. ابراز محبت‌ها و معاشرت‌ها در حیات اسلامی قواعدی دارد، خواب و بیداری درون یک اتاق برای اعضای خانواده ضوابط ویژه دارد.

۸. **آسیب‌شناسی مسایل عاطفی و روحی در خانواده:** خانواده به عنوان نخستین نهاد زندگی اجتماعی نقش بسزایی در رشد اجتماعی و روانی فرزند دارد. در خانه است که فرزند با پیرامون خویش آشنا می‌شود و ارکان شخصیت او شکل می‌گیرد. در این کانون الگوهای رفتاری پدر و مادر و دیگران را تقلید می‌کند. اگر این الگو از نظر روانی سالم نباشد، مثلاً اگر الگوزور مدار یا بی صداقت باشد، کودک همان را درست می‌پندارد. تأثیر این الگوهای رفتاری در رابطه با خود کودک نیز موجب بیماری شخصیت در او خواهد شد. پدر و مادر سلطه جو اجازه رشد به شخصیت کودک خود نمی‌دهند بلکه او را ترسو و

پیرو بار می‌آورند. این گونه کودکان در رویارویی با اجتماع از عهده تنظیم روابط با دیگران بر نمی‌آیند، در نتیجه همیشه پرخاش‌گر، ناراضی و افسرده هستند؛ درون‌گرایی و گوشه‌گیری در این کودکان و اکنشی معمولی است. پدر و مادر مطیع و انعطاف‌پذیر که به فرزندانشان اجازه تجاوز به حقوق دیگران می‌دهند کودکان را جسور، پر توقع و سلطه‌جو بار می‌آورند که این نوع رفتار نیز به ناسازگاری اجتماعی می‌انجامد.

توجه به مسایل روانی و عاطفی خانواده نقش مهمی در هدایت صحیح فرزندان ایفا می‌کند.

۱- ۸. نمونه‌هایی از مشکلات خانوادگی نسبت به مسائل روانی و عاطفی

الف) مشکلات خانوادگی

۱. کم توجهی والدین به تحولات روحی و عاطفی فرزندان؛
۲. توجه والدین به ظاهر فرزندان بدون آگاهی از نیت‌ها و آرزوهای درونی آنان؛
۳. نا آگاهی از شیوه‌های برخورد با اختلالات رفتاری فرزندان و اصلاح آن؛
۴. بی توجهی نسبت به انزوای طلبی فرزندان؛
۵. کمبود عاطفی جوانان (کوتاهی والدین در ارضای محبت)؛
۶. ناسازگاری بین والدین و فرزندان؛
۷. بحث، جدل، قهر و پرهیز از سخن گفتن با جوانان؛
۸. بی احترامی به شخصیت جوانان و بی‌اعتنایی نسبت به آزادی‌های مشروع آنان؛
۹. بدگمانی والدین نسبت به فرزندان؛
۱۰. کوتاهی والدین در ایجاد نشاط، امنیت و جاذبه آفرینی در کانون خانواده؛
۱۱. بهره‌نگرفتن از کمک‌های روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و... در حل مشکلات

فرزندان.

ب) مشکلات روحی و عاطفی فردی فرزندان

- حساسیت و زودرنجی در برابر ناملازمات؛
- ناتوانی در برقراری تعادل بین عواطف و عقل؛
- ناتوانی در کنترل احساسات و عواطف؛
- ناتوانی در حفظ تعادل روانی و عاطفی در برابر عوامل محیطی؛

کمرویی و شرم و حیای افراطی؛

احساس هیجان و تحریک قبل از شروع قاعدگی؛

اضطراب، ترس و حس ناامنی هنگام مشاهده حالت قاعدگی؛

آشفته‌گی‌های عاطفی (گریه‌های پر سر و صدا، جیغ و داد، آشوب آفرینی و دعوای خانوادگی)؛

محبت و علاقه به افراد و ناتوانی در ابراز آن؛

فرورفتن در افکار بیهوده؛

عجز از تمرکز در حواس (حواس پرتی)؛

تخیلات غیر ممکن و افسانه‌ای (عامل بازداری از درک واقعیت‌ها)؛

مشکل عدم تطابق با واقعیت‌ها؛

بی‌اشتهایی روانی ناشی از نابسامانی وضع درونی؛

بدخواهی و بی‌خواهی در نتیجه آشفتگی و اضطراب؛

یأس و افسردگی و پریشانی؛

طننازی‌های نامشروع و شیدایی‌های منحرفانه؛

خودنمایی و خودآرایی افراطی (خودشیدایی)؛

مقایسه خود با مدل‌های کاذب؛

تشبث به ادا و آرایش پسرانه؛

بی‌قیدی و بی‌بند و باری در ابراز عواطف.

ناتوانی در برقراری ارتباط عمیق عاطفی با مادر؛

خود را به جای مادر فرض کردن (جابه‌جایی نقش برای جلب احترام)؛

احساس عدم درک و دوست داشته شدن از سوی والدین و خویشان؛

تهدید به خودکشی جهت ارباب و تسلیم والدین؛

ترس از به خطر افتادن شرایط و موقعیت نزد بستگان، دوستان و معلمان؛

ترس از ذکر عیوب و انتقاد از دیگران؛

اختلاف با دوستان و نزدیکان؛

احساس شوم و شوق افراطی نسبت به معلمان و مربیان؛

ترس از درس و امتحان؛

ناتوانی والدین در برقراری رابطه صمیمانه با دختران؛
 فروتر انگاری و تنزل شخصیت اجتماعی دختران در تصورات همگانی؛
 نا آگاهی از شیوه‌های کنترل تعارضات درونی و عوامل مهیج بیرونی؛
 احساس حقارت و بی کفایتی (کمبود اعتماد به نفس)؛
 بیزاری از زندگی و احساس پوچی (نداشتن انگیزه کافی برای تداوم زندگی)؛
 تسلیم شدن در مبارزه با مشکلات؛
 ضعف اراده در تصمیم‌گیری؛
 هراس از پذیرش مسئولیت و وحشت از شکست احتمالی؛
 انزو و اطبی و احساس عدم مقبولیت در اجتماع (احساس تنهایی)؛
 بیزاری و بی حوصلگی در کار و تحصیل؛

۲- ۸. بگذاریم فرزندان به خود آگاهی برسند

برای بسیاری از والدین مشکل است که میزان و حدود شایستگی‌ها و کمال فرزندان خود را پذیرفته و به آنان فشار نیاورند که بیش از آن چه هستند، خود را نشان دهند؛ مثلاً پدر و مادر هنرمند تاب آن را ندارند که فرزندانشان ورزشکار شود، یا یک زوج تحصیل کرده به سختی می‌پذیرند که فرزندانشان استعداد تحصیلات عالی را ندارد. خطرناک‌تر از والدینی که می‌خواهند فرزندانشان همانند آنان شوند، پدر و مادری هستند که می‌خواهند کودکشان آن چیز شود که آنها خواسته‌اند، اما ناکام مانده‌اند. اینان انتظار دارند فرزندان شکست‌های آنان را جبران کند. از این رو کسانی که خود احترام، شهرت یا اعتبار اجتماعی کافی نداشته‌اند از فرزندان انتظار دارند این کاستی‌ها را جبران کند! به هر حال برای برون رفت از این مشکل می‌بایست به هر یک از اعضای خانواده فرصت و اجازه داده شود تا به خود آگاهی رسیده و راه خود را انتخاب نمایند.

در این راه می‌توان با معرفی کتاب‌های مفید به آنان کمک کرد تا پیش از بلوغ و پس از آن تصویر دقیقی از خود داشته باشند، بدانند کیستند و چه باید بکنند.

۳- ۸. از بین بردن کمبودهای عاطفی

تجربه نشان داده است که بیشتر نوجوانان و فرزندان که به دام ارتباط‌ها و کشش‌های

افراطی افتاده‌اند، دچار خلأ عاطفی از جانب یکی از والدین یا هر دوی آنان بوده‌اند. باید اعتراف نمود، دستگاه روانی انسان به گونه‌ای است که اگر از بعد عاطفی مورد تهدید واقع شود این کمبود را در هر جا و به وسیله هر کس جستجو و او را به عنوان تکیه‌گاه خود انتخاب می‌کند. بنابراین جستجوی تکیه‌گاه عاطفی از این جهت دارای اهمیت است که فرد را از فروپاشی شخصی محافظت و در برابر تهدیدهای محیطی پناه می‌دهد.

در این شرایط، پدر و مادر و مربیان تربیتی هستند که باید مراقب باشند که فرزندان ضربه‌های عاطفی سنگین نبینند.

دین اسلام در این باره سفارش‌های فراوانی به پیروان خویش نموده است؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: خدا بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد عنایت قرار خواهد داد.^{۱۴}

یکی از روان‌شناسان غربی نیز می‌گوید: بسیاری از ناراحتی‌های عاطفی و روانی از دوران کودکی سرچشمه می‌گیرد؛ چیزی که حتی باهوش‌ترین بچه‌ها را ناراحت می‌کند مسأله چگونگی تغذیه عاطفی آنهاست.^{۱۵}

۴-۸ اعتماد، راه مقابله با ترس و آثار آن

دنیای شیرین فرزندان با همه لطافت‌ها و زیبایی‌ها، آسیب‌پذیر است. برای ورود به این سرزمین شکننده شناخت و آشنایی دقیق و همه‌جانبه لازم می‌باشد. شناخت عواطف، خواسته‌ها و ترس‌های متناسب با سنین آنان، ما را به ارتباطی واقعی‌تر می‌رساند. در این میان خانواده‌ها نقش مهم‌تری را ایفا می‌کنند. رفتار پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده طنینی همیشگی در رفتار انسان دارد. از جمله، مسایل مهم در زندگی فرزندان ترس‌پذیری آنان می‌باشد و ترس‌هایی که زمینه‌ساز بحران‌ها در زندگی و رفتار کودک می‌شوند. ترس از صداها، مرموز، ترس‌های موهوم، ترس از دست دادن والدین، ترس از بیماری و... که نه تنها فرزندان، بلکه خانواده‌ها را نگران و آزرده خاطر می‌نماید.

ترس شکل‌های گوناگون دارد که به شکل ناآرامی، اختلال در خواب و گاهی حتی به صورت رفتارهای خشن نمایان می‌شود.

جاذدن و طفره رفتن، عقب‌نشینی از موضوع، گوشه‌گیری، هراس، نگاه خیره، چهره

مضطرب، گاز گرفتن و جویدن لب‌ها، سردرد، ناهماهنگی در حالات و رفتار، بی‌ارادگی، حالات تهاجمی و... از نشانه‌های ترس می‌باشد.

هنگامی که فرزندان دچار بد حالی و ناراحتی ناشی از ترس می‌شوند، دست پدر و مادر خود را گرفته و به آنان پناه می‌برند. آری اعتماد، مؤثرترین ابزار غلبه بر ترس می‌باشد و هر چه اعتماد به نفس انسان قوی‌تر باشد به همان اندازه در عبور از لحظات بحرانی، احساس امنیت بیشتری می‌کند.

شایان توجه است که ترس صفتی همگانی بوده و کم و بیش در سرشت همه انسان‌ها وجود دارد و برای حفظ جان او مفید است. البته این مهم در صورتی که عقلانی و به گونه‌ای صحیح به کار گرفته شود مفید و در غیر این صورت آثار زیانباری در پی خواهد داشت. مثلاً ترس از مرگ، چنانچه جوان را به حل مسایل پیرامونی آن وادارد و با کمک والدین در رسیدن به پاسخ آن‌ها بکوشد، راهگشای آینده او خواهد بود.

۵-۸. تقویت باورها راه مقابله با تهدیدها

فرهنگ و تمدن ایرانی از هزاران سال همواره در بین فرهنگ‌های جهان زبانزد خاص و عام بوده است. زمانی که اروپا زیر سیطره کلیسا سیاه‌ترین دوران تاریخ خود را می‌گذرانید، ایران در پرتو رهنمود «زه‌گهواره تاگور دانش بجوی» بود و جهان اسلام بزرگانی همچون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و زکریای رازی را در دامن پرورده بود. امروز گرچه باید به تاریخ شکوهمند مان ببالیم اما باید شرایط دهکده جهانی را در نظر داشته، در مواجهه با تحولات سریع در گستره فرهنگ و ارتباطات هوشیار باشیم و فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از آن را به خوبی بشناسیم و در مقابل آنها واکنش مناسب از خود نشان دهیم، که تقویت هویت دینی خانواده از جمله آن می‌باشد. حفظ ارزش‌های دینی از جمله موضوعات مهمی است که در دهه‌های اخیر به صورت جدی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، زیرا نحوه زندگی، نوع مناسبات و شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم جهان با تحولات وسیع در عرصه‌ی فناوری تغییر یافته است. چه بسا افرادی که بر اثر الگوپذیری نابه‌جا خود را فراموش کرده، دچار بی‌هویتی شده‌اند و مشکلاتی از قبیل شکاف نسل‌ها و عدم تعهد نسبت به هویت ملی و دینی و عدم علاقه‌مندی به میراث گذشتگان به وجود آمده و آسیب‌هایی

چون احساس پوچی و شیفتگی به فرهنگ‌های بیگانه که زمینه ساز سلطه بیگانگان است بروز کرده است. در این میان آنچه می‌تواند باعث رشد فرهنگ دین شود، شناخت ارزش‌ها و نیز باور کردن هویت اسلامی کشورمان است. هویت ایرانی در دوره‌های گوناگون با مولفه‌های خاص جغرافیایی و مانند آن تعریف می‌شد و در دوره اسلامی با اعتقادات دینی آمیخته شد. نگاهی به تاریخ تأیید می‌کند که ایرانیان اسلام را با آغوش باز پذیرفتند و رسالت جدیدی بر دوش گرفتند که همانا حفظ آثار تمدن کهن و ترکیب و همگرا ساختن آن با نهضت اسلام بود که پی‌ریزی تمدنی جدید را پی می‌گرفت. مسئولان فرهنگی مخصوصاً مسئولان فرهنگی سپاه باید بدانند اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که بر دوش آنان می‌باشد انتقال ارزش‌هاست. باید نهادهای اجتماعی از جمله خانواده‌ها بر پشتوانه عظیم فرهنگی و دینی ملت خود آگاهی یابند. فرزندان ایران اسلامی باید بدانند متعلق به سرزمینی هستند که بوعلی سینا، فارابی، مولوی، ملاصدرا، حافظ و سعدی را پرورانده است.

امروزه بسیاری از فرزندان و بسیاری از پدران و مادران شناخت کافی از ارزش‌های خودی ندارند تا بتوانند در پاسداشت آن تلاش نمایند و جذب فرهنگ بیگانه نشوند. هم چنان که فرزند خردسال قدر گوهری را که در دست دارد ندانسته، آن را به راحتی با چیز بی‌ارزشی معاوضه می‌کند، انسانی هم که به داشته‌های فرهنگی و دینی خود آگاه نباشد خیلی سریع فریفته می‌شود. بسیاری از جوانان ما از جامعیت برنامه آسمانی دینی اسلام و عناصر کار آمدی آن آگاهی ندارند. بسیاری از اینان نمی‌دانند که دین اسلام علی‌رغم همه ادیان دیگر از جامعیت و کارایی لازم و برتر برخوردار بوده، می‌تواند جوابگوی همه نیازهای جوامع در همه اعصار باشد. باید بینش جوانان، عمیق‌تر گردد و نگرش جامع به مبانی ارزش دینی پیدا کنند. آگاهی به دسیسه‌های استعمار و فرهنگ غربی باید در دستور کار مراکز فرهنگی ما قرار گیرد. باید خود باوری و خود اتکایی را در بین نسل جوان جا انداخت. بنابراین باید از گذشته غافل نباشیم و از ظرفیت‌ها و تجارب گذشتگان برای زندگی بهتر در وضعیت فعلی حداکثر استفاده را نماییم. باید با توکل بر خداوند و اعتماد بر توانایی خویش و دور ساختن ناامیدی از خود با تکیه بر آموزش‌های دین اسلام سعادت خود را در دنیا و آخرت تضمین نماییم.

منابع

۱. چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوان، انتشارات شورای عالی جوانان، بی تا.
۲. جوانان و تجربه زندگی در اوقات فراغت، انتشارات شورای عالی جوانان، سال ۷۶.
۳. تربیت آسیب‌زاه، عبدالعظیم کریمی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، سال ۸۱.
۴. ترس در کودکان، مارکوس اشمیت، برندکل هپ، ترجمه لفظی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، سال ۸۰.
۵. بلوغ (چه می‌دانم)، موریس دبس، ترجمه حسن صفاری، انتشارات علمی، سال ۳۵.
۶. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، دکتر شریعتمداری، انتشارات امیرکبیر، سال ۶۷.
۷. خانواده و مسایل جنسی کودکان، علی قائمی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، سال ۶۹.
۸. جایگاه جوانان در پرتو منشور تربیتی نسل جوان، انتشارات سازمان ملی جوانان، سال ۷۹.
۹. آسیب‌شناسی دختران جوان، گروهی از نویسندگان، انتشارات دبیرخانه شورای عالی جوانان، بهار ۷۵.
۱۰. رشد شخصیت و بهداشت روانی، ویلیام مینینگر، ترجمه سیما نظری، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، سال ۸۱.

سال ۸۱

۱۱. آیین تربیت، ابراهیم امینی، انتشارات اسلامی، سال ۶۴.
۱۲. سیمای نماز در خانواده، جمعی از نویسندگان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، سال ۸۱.
۱۳. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، انتشارات مکتبه الاسلامیه، بی تا.
۱۴. دایرة المعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، سال ۷۰.
۱۵. آسیب‌شناسی اجتماعی، دکتر فرجاد، انتشارات منصوری، سال ۷۲.
۱۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، انتشارات المکتبه الاسلامیه، بی تا.
۱۷. هویت دینی و انقطاع فرهنگی - حمید نگارش، زمزم هدایت، سال ۸۰.
۱۸. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات، سال ۶۶.
۱۹. خانواده و مسایل جوانان و نوجوانان، علی قائمی، انتشارات شفق، سال ۶۱.
۲۰. میثاق مقدس، سعید آرزوی، انتشارات دبیرخانه شورای عالی جوانان، سال ۷۶.
۲۱. آسیب‌شناسی اجتماعی، ستوده، انتشارات آوای نور، سال ۷۶.
۲۲. اصول کافی، کلینی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، سال ۶۵.
۲۳. منیه المرید، شهید ثانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۶۸.
۲۴. شرح خوانساری بر غرر الحکم، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۶۶.
۲۵. میزان الحکمه، ری شهری، انتشارات دارالحدیث، سال ۷۴.
۲۶. تبلیغ دین از منظر دین، حمید نگارش، انتشارات زمزم هدایت، سال ۸۳.

پی‌نوشتها:

۱. هویت دینی و انقطاع فرهنگی، ص ۱۷.
۲. دایرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۲۵۴ و ۲۵۸.
۳. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ص ۷۸۵، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، دوم، ۱۳۷۴.

۴. همان.
۵. آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۱۳.
۶. تربیت آسیب‌زا، ص ۴۳.
۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸.
۸. منیة المرید، ص ۶۷.
۹. دنیای نوجوان، ص ۳۹۴.
۱۰. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۱۰۴، باندکی تصرف.
۱۱. غررالحکم، ص ۱۹۹.
۱۲. غررالحکم، ص ۲۴۰.
۱۳. بلوغ (چه می‌داند)، ص ۶۰.
۱۴. (ان الله لیرحم الرجل لشدة حبه لولده)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۸.
۱۵. آیین تربیت، ص ۱۲۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی